

جم‌ها

پدر و پسر

سرگذشت و سرنوشت

خاندان جم: محمود جم، ارتشبد فریدون جم؛

به روایت محمود جم و ارتشبد فریدون جم

یک نخست‌وزیر و یک ارتشبد

www.ketab.ir

تألیف: خسرو معتضد



سرشناسه: معتضد، خسرو، ۱۳۳۱.

عنوان و نام پدیدآور: جم‌ها، پدر و پسر: سرگذشت و سرنوشت خاندان جم، محمود جم، ارتشبد فریدون جم به روایت محمود جم و ارتشبد فریدون جم / تألیف خسرو معتضد

مشخصات نشر: تهران: سمپا، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۳۷۵ ص: مضمون.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۰-۴۶۱-۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

یادداشت: کتابنامه، ص ۳۷۵ همچنین به صورت زیرنویس

عنوان دیگر: سرگذشت و سرنوشت خاندان جم، محمود جم، ارتشبد فریدون جم به روایت محمود جم و ارتشبد فریدون جم.

موضوع: جم، فریدون، ۱۲۹۲.

موضوع: جم، محمود، ۱۳۵۸-۱۳۴۸.

موضوع: سیاستمداران ایرانی- قرن ۱۳ق - ۱۴- سرگذشتنامه؛

Politicians, Iranian-19-20th century-Biography*

موضوع: ایران- تاریخ- پهلوی- ۱۳۰۴-۱۳۵۷؛ Iran-History-Pahlavi, 1925-1978

موضوع: ایران- تاریخ- قاجارین، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ق؛ Iran-History-Qajars, 1779-1925

رده‌بندی کنگره: DSR۱۴۵۳

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۷۵۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۰۸۱۵۵



ناشر: سمیر

عنوان: چراها؛ پدر و پسر

نویسنده: خسرو منتضد

چاپ اول: ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۵۰ نسخه

چاپ و صحافی: هنگام

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۲۰-۴۶۱-۸

تهران، خیابان اردیبهشت، کوچه وحید، پلاک ۱، واحد ۴

تلفن: ۶۶۴۱۳۷۲۶ - ۶۶۹۶۰۶۰۳

www.samirpublication.ir

۳۸۰,۰۰۰ تومان

روایات تاریخی معمولاً به صورت تاریخ‌نامه‌های رسمی در قرون پیش از اختراع کاغذ بر روی سنگ و الواح گلین و غیره حک می‌شد.

تاریخ‌نامه‌های نوشته شده از سوی مورخین کشورهای همسایه همانند آن‌چه که یونانیان به دلیل مناسبات و سپس جنگ هایشان با شاهنشاهان هخامنشی درباره تاریخ ایران در آن زمان نوشته اند و یا نوشته های بیش از ۶۰ مورخ رومی چه در عصر روم باستان و چه در روم شرقی درباره مناسبات و برخوردهایشان با امپراتوری‌های اشکانی و ساسانی (مانند نوشته‌های مورخان یونانی) خالی از غرض و دشمنی نیست. همین طور نوشته های مورخین ارمنی و سریانی (سوریه) درباره ایران عصر اشکانی و ساسانی.

سپس نوبت زندگینامه نویسان می‌رسد؛ بسیاری از پادشاهان، امپراتوران، رجال نامی و سیاستمداران شرح زندگی خود را نوشته اند و در قرون اخیر زندگینامه نویسی گسترش فراوانی یافته است.

کتابی که خواننده گرامی در دست گرفته اند، خاطرات محمود جم یکی از دولتمردان اواخر عصر قاجار و سراسر دوران پهلوی تا سال ۱۳۴۸ هـ. ش یعنی زمان وفات اوست. محمود جم از پروردگان عصر پهلوی اول و رجال مورد اعتماد پهلوی دوم است که از اولین کابینه پس از کودتا به مناصب هم تایل شد و مورد توجه خاص سردار سپه و سپس رضاخان پهلوی ریاست کل قوا و رئیس الوزرا قرار گرفت و به مقامات حساسی چون استانداری و سرانجام وزارت رسید و در سال ۱۳۱۴ پس از این که مناصب به محمدعلی فروغی (ذکاء الملک) غضب کرد و او را خانه نشین ساخت، حدوداً مدت چهار سال نخست وزیر مطیع، بدون کمترین اظهارنظر و کاملاً دست نشانده شاه بود و هنگامی که شاه خواست برای دو دختر خود شوهران مناسبی بیابد، علی قوام پسر ابراهیم قوام شیرازی را به عنوان شوهر شمس دختر بزرگتر و فریدون جم پسر محمود جم را که در دانشکده سن سیر فرانسه سرگرم تحصیلات نظامی بود، به عنوان دو زوج مناسب برگزید. فریدون از پاریس و علی قوام از لندن به تهران آمدند. منتها چون شمس علی قوام را نپسندیده بود، فریدون نامزد شمس و علی قوام نامزد اشرف شد و بنابه نوشته مرحوم جاج مهدیقی هدایت مخبرالسلطنه، نخست وزیر برکنار شده، عروسی در همان سال ۱۳۱۵ هـ. ش در محیطی مانند مجلس عزا و بدون شیرینی، میوه و موسیقی برگزار شد.

در زمان محمود جم اقداماتی انجام شد که پس از شهریور ۱۳۲۰ امکان بازداشت او وجود داشت؛ مانند واقعه مسجد گوهرشاد در تیرماه ۱۳۱۴ و پیامدهای آن، دستگیری و اعدام پنهانی عده‌ای از رجال، وزیران و افراد متشخص مانند مرحوم سید حسن مدرس در خراسان،

نصرت الدوله فیروز در سمنان و شیخ خزعل در قاسم آباد شمیران که به همین دلیل پس از سقوط رژیم دیکتاتوری، شاه جوان جم را به مأموریت سفارت در مصر فرستاد تا از محیط ایران دور باشد. جم در تمام دوران نخست وزیری جز شرکت در مراسم تشریفاتی ایراد سخنرانی های تملق آمیز به هر بهانه کاری نکرد و به همین دلیل حدود چهار سال بر مسند ماند.

در سال ۱۳۱۸ رضاشاه که قصد نزدیک شدن به آلمان نازی را داشت، دکتر متین دفتری را جانشین او کرد. جم وزیر دربار شاهنشاهی شد و هنگام سقوط رضاشاه و اعزام او به خارج بنابه اصرار محمدرضاشاه، شاه سابق را تا اصفهان و سپس کرمان و بندرعباس مشایعت کرد. جم فردی بود که دوران جوانی خود را در تبریز و سپس در تهران به آموزش زبان فرانسه گذرانده و قادر بود با خارجیان صحبت کند. از این رو به عنوان یک دیپلمات شهرت یافت؛ در حالی که او فقط یک فرد مطلع و فرمانبردار بود.

روش جم در برابر تمام آن چه که مردم تحمل می کردند، سکوت بود. هرآن چه شاه می گفت می پذیرفت و مانند بسیاری از نخست وزیران پهلوی رمز تکیه زدن دایمی او بر سربرهای مهم همین سکوت و اطاعت بود. جم هیچ یک از معایب رژیم دیکتاتوری را نمی دید و بسیار تودار و سازشکار بود. مشفق کلمه دیپلمات که بنا به خواهش او همراه وی به سفارت مصر رفت، در کتاب خاطرات خود از دورویب مغرورستی و خودخواهی او به سختی انتقاد می کند. جم پس از پایان دوران سفارتش در مصر که همراه او از ملک فاروق فاسد، رشوه خوار و نیمه دیوانه بسیار خواندنی است، به ایران بازگشت و مانند جم فرانسه هر زمان که لازم بود به مسندی تکیه زد. یکی از آن مسندها، مسند وزارت جنگ در آخرین کابینه قوام السلطنه در سال ۱۳۲۶ بود که طبق دستور شاه قرارداد همکاری نظامی با آمریکا را امضاء کرد. آچار فرانسه گاهی سناتور می شد و گاهی جزء هیأت رئیسه حزب ملیون و حزب ایران نوین.

پسر او فریدون که تحصیل کرده فرانسه بود، به طوری که در کتاب خواهید خواند، به دلیل پختگی علمی و حرفه ای سر اطاعت تام در برابر شاه فرود آوردن را نداشت و به همین دلیل پس از حدود سی سال خدمت در ارتش وقتی چند ماهی به ریاست ستاد بزرگ ارتشتاران رسید، به علت تشخیص فرماندهی غلط شاه بر ارتش و تمرکز تمام اختیارات در دست های شاه و تصمیمات نادرست، مغضوب شاه واقع شد و در سن ۵۰ سالگی از ارتش بازنشسته و رانده شد. شاه یکی دو سال بعد به علم گفت: او را به دلیل فضولی زیاد از ارتش بیرون انداختیم.

غرض از این مقدمه نویسی این بود که خواننده آگاه باشد محمود جم یک رجل درباری بود که هر چه داشت از دوران پهلوی به دست آورده بود. در جایی خواندم شمس پهلوی از همسر

جم بیزار بود و به همین دلیل محمود جم می کوشید همسر خود را به مجالس درباری نیاورد و تظاهر می کرد بین او و همسرش (مادر فریدون جم) نفاق و تضاد دائمی وجود دارد. بنابراین خواننده متن می بایستی نوشته های جم را با احتیاط و با توجه به روابط نزدیک او به سلسله پهلوی در نظر داشته باشد. بر تاریخ نویس واجب است که همه موارد را بنویسد؛ کما اینکه پلوتارک مورخ معروف درباره نکات مثبت و منفی زندگی اسکندر سکوت نمی کند؛ درباره شجاعت، لیاقت و قدرت فرماندهی اسکندر مطالب مدح آمیز فراوانی نوشته اما در عین حال به صفات ناپسند و ذمائم اخلاقی او نیز اشارات فراوان دارد. کما اینکه چند تن از دوستان صمیمی خود را ناجوانمردانه به قتل رساند. در حقیقت اسکندر یک همجنس گرای کثیف بود. تاریخ بی طرفانه داوری می کند و آن چه در تاریخ نوشته می شود هنگامی ارزش دارد که دور از حب و بغض باشد.